

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال سوم، شماره ۱۲، تابستان ۱۳۹۰
صفحات : ۱۹۹-۲۲۰
تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۲۵ : تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۳/۲۸

بازشناسی و تحلیل پدیده تروریسم

دکتر رضاعلی محسنی*

چکیده

تروریسم اعم از داخلی یا بین‌المللی در سراسر جهان فراگیر شده است و در آغاز سده بیست و یکم از پیچیده‌ترین و دشوارترین مسائلی است که از حیث اجرای قانون، جهان با آن مواجه است. در سراسر جهان، شرایط سیاسی و اجتماعی بسیار متنوع و گوناگون به پیدایش گروه‌های تروریست منجر شده است. اساساً تروریسم، استفاده غیرقانونی از خشونت یا تهدید به خشونت بر ضد اشخاص یا اموال به قصد اهداف سیاسی یا اجتماعی است. گروهان‌گیری، آدم‌ربایی، قتل سیاسی و ترور، هواپیماربایی، خرابکاری، بمب‌گذاری و تیراندازی به افراد، اماکن و نهادهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی از جمله روش‌ها و تکنیک‌های تروریست‌هاست. هدف از تروریسم، ایجاد رعب و وحشت یا واداشتن حکومت، افراد یا گروه‌ها به تغییر رفتار یا سیاست‌های آنها است. این مقاله به بررسی مساله تروریسم، بازشناسی و تحلیل آن می‌پردازد.

کلید واژه‌ها

ترور، تروریسم، خشونت سیاسی، جرم سیاسی، تحلیل، امنیت.

mohseninet@yahoo.com

* عضو هیأت‌علمی و استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان

مقدمه

تروریسم بزرگترین خطر برای صلح و امنیت ملی و بین‌المللی شمرده می‌شود. این پدیده به سبب پیوند آن با فناوری‌های نوین به یک گرفتاری راهبردی تبدیل شده و توانسته است گروه‌هایی کوچک، اما با ساختارهای پیچیده را به بازیگران برجسته در پهنه بین‌المللی تبدیل کند.

تروریسم همواره برای قربانیان، ماجرای غم بار بوده است؛ چه قربانیانی که جان خود را می‌بازند یا جراحتی بر پیکر خویش به یادگار می‌برند و چه قربانیان عمومی‌تری که امنیت خاطر خود را تادم‌ها از دست می‌دهند. آنچه تروریسم دوران ما را از دوران‌های گذشته متمایز می‌سازد این است که امروزه طاعون تروریسم همه ملت‌ها و مناطق را آلوده کرده و از حوزه‌های داخلی به سیاست جهان سریز کرده است. در عصر ما تروریسم از تهدید ملی به تهدیدی بین‌المللی و جهانی مبدل شده است (حاجیانی و ضمیری، ۱۳۸۹: ۱۵).

تروریسم به کاربرد خشونت سیاسی، تهدیدهای اجتماعی یا حمله‌های برنامه‌ریزی شده‌ای گفته می‌شود که با جنگ نامتعارف پیوند نزدیک دارد. ترور، کاری منفرد یا عاطفی نیست، بلکه اقدامی است گروهی، سازمان یافته و حتی یک استراتژی سیاسی است (Whittaker, ۲۰۰۶: ۵۰).

تروریسم امروزی هم سرشت بسیار مشخصی دارد، هم ابعاد آن گسترده است، هم شیوه‌های آن در نتیجه پیشرفت‌های تکنولوژیک، پیوسته در حال دگرگونی است و هم از حیث روش‌ها و نیز اهداف، گسترده‌ای بین‌المللی دارد (طیب، ۱۳۸۲: ۱۱۸-۱۱۷).

تروریسم غالباً به شکل سازمان یافته و معمولاً فراملی^۱ انجام می‌شود. خطرات آن بسیار بیش از جرایم انفرادی است و مبارزه با آن نیز نیازمند همکاری موثر میان همه کشورها است. مسلماً این همکاری در صورتی می‌تواند موثر واقع شود که از برخوردها و معیارهای دوگانه پرهیز شود که برخی کشورها نسبت به تروریسم دارند (مستقیمی و قادری کنگاوری، ۱۳۹۰).

تروریسم به رفتار خشونت‌آمیز و سرکوبگرانه و اغلب با اهداف سیاسی اطلاق می‌شود. تروریست‌ها از بین برنده نظم موجود و تعقیب کننده نظم جدیدی هستند. فعالیت‌های

۱- Transnational

تروریستی به منظور ایجاد ترس از طریق اقدامات خشونت‌آمیز غیر منتظره و اغلب علیه اعضای یک جمعیت انجام می‌شود.

گفتار اول: چیستی، ماهیت و انواع تروریسم

الف) تعریف تروریسم

مجموعه تعاریف ارائه شده از تروریسم در دانشنامه‌ها و فرهنگ‌ها، مفاهیمی مانند ترساندن، خشونت، تغییر وضع موجود، سازمان مند بودن یا تشکیلاتی بودن اقدام کننده را مورد توجه قرار داده است.

واژه ترور از ریشه لاتین ترس^۱ به معنی ترساندن و ترس و وحشت است. واژه‌های تروریسم^۲ و تروریست^۳ به نسبت واژه‌هایی نوپا هستند (طیب، ۱۳۸۲: ۱۹).

ترور در زبان فارسی به معنی قتل سیاسی به وسیله اسلحه است و تروریسم به اصل حکومت و وحشت و فشار، به اصلی اطلاق می‌شود که در آن از قتل‌های سیاسی دفاع می‌شود. در زبان عربی، برای کلمه تروریسم کلمه «الرهاب» انتخاب شده که به معنی خوف، خشونت و سخت‌گیری است. کلمه رهب و مشتقات آن چندین بار در آیات قرآن کریم از جمله آیه ۴۰ سوره بقره، آیه ۶۰ سوره انفال و آیه ۱۳ سوره حشر در معنی خوف و ترس به کار رفته است. (قرآن کریم).

بر پایه نوشته دانشنامه بریتانیکا، تروریسم به معنی «کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش‌بینی ناپذیر بر ضد حکومت‌ها، مردمان یا افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی. (دهخدا، ۱۳۷۷، به نقل از: حاجیان و ضمیری، ۱۳۸۹) فرهنگ لیتره، تروریسم را برابر «برقراری سلطه ارباب و وحشت» تعریف کرده‌اند. (همان، ۲۲) تروریسم، عقیده به لزوم آدمکشی و ایجاد وحشت در بین مردم و با سیستم فکری است که هر نوع عملی را برای رسیدن به هدف سیاسی جایز می‌داند (کشاوری، ۱۳۸۵: ۲۳۶).

۱- Ters

۲- Terrorism

۳- Terrorist

تروریسم جرمی است که می‌تواند ماهیتی سیاسی داشته باشد، بدین جهت این جرم مورد توجه فراوان علمای اهل سیاست قرار گرفته است. در فرهنگ علوم سیاسی، تروریسم به حالت وحشت فوق العاده ناشی از دست زدن به خشونت، قتل، خونریزی از سوی گروه، حزب یا دولتی به منظور نیل به هدف سیاسی، کسب یا حفظ قدرت اطلاق می‌شود (آقا بخشی، ۱۳۷۹: ۵۸۴). همچنین تروریسم به استراتژی مداوم و سیستماتیک از خشونت که به وسیله دولت یا گروهی سیاسی علیه دولت یا گروه سیاسی دیگر در طول سلسله اعمالی خشونت بار صورت می‌پذیرد، تعریف شده است. هدف این اقدامات ایجاد حالت ترس و وحشت عمومی برای رسیدن به اهداف سیاسی است (Rosie, ۱۹۸۷:۷).

پال پیلارخشونت را عملی از پیش طراحی شده با جهت گیری سیاسی بر ضد اهداف غیرنظامی از سوی گروه‌های خرده ملی و عوامل مخففی که معمولاً برای تأثیرگذاری بر مخاطبان به کار گرفته می‌شوند، اطلاق می‌نماید (Pillar, ۲۰۰۱: ۱۳). این تعریف دارای چهار عنصر اساسی است:

۱- تروریسم عملی است از پیش طراحی شده و ناشی از فکر و تصمیم عده‌ای که می‌خواهند آن را انجام دهند؛

۲- تروریسم دارای جهت‌گیری سیاسی است و با دیگر انگیزه‌های مالی یا انتقام شخصی و ... فرق دارند. مرتکبین این اعمال، انگیزه‌های کلان دارند و می‌خواهند وضع موجود را تغییر دهند؛

۳- این تعریف مربوط به قربانیان تروریست‌هاست که شامل افرادی است که توانایی دفاع از خود ندارند؛

۴- مربوط به مرتکبان اعمال تروریستی است که از گروه‌های فرو ملی یا عواملی سری هستند که کارشان از عملیات نظامی دولت‌ها و کاربرد آشکار نیروهای نظامی بر ضد اهداف نظامی متمایز است (هرسیچ، ۱۳۸۰؛ به نقل از Pillar, ۲۰۰۱: ۱۳-۱۵).

انورخامه‌ای در اثر «شاه کشی در ایران و جهان» تروریسم را اقدامی غیرمشروع و توطئه‌آمیز برای کشتن یک یا چند انسان با نیت سیاسی یا به خاطر نیل به هدف‌های سیاسی معین می‌داند (خامه‌ای، ۱۳۸۱: ۵۳). این عمل شامل چند گونه عمل تروریستی است: الف) اقدام به کشتن یکی از نظام‌های حاکم به عنوان واکنش در برابر ظلم و ستمی که به فرد یا جمعی وارد ساخته است؛

ب) اقدام سازمان یافته برای کشتن فرد یا افرادی از حاکمیت به منظور ارباب هیأت حاکمه یا تحریک مردم علیه آن با هدف تغییر نظام سیاسی موجود یا اصلاح آن؛
ج) اقدام اشخاص یا مقاماتی از حاکمیت برای حذف فیزیکی رقبای خود و از سر راه برداشتن آنها و تثبیت و تحکیم مقام و موقعیت خود.
در یک تعریف جامع، تروریسم دارای سه ساختار مفهومی متفاوت است:
۱- اعتقاد به لزوم آدم‌کشی و ایجاد وحشت در میان مردم و رهبران سیاسی و حکومتی و یا نظام فکری که هر نوع ملی را برای رسیدن به هدف سیاسی مجاز می‌شمرد؛
۲- کاربرد سیستماتیک ترور، به ویژه به عنوان وسیله اجبار، یا روا شمردن اقدامات دارای ماهیت وحشت آفرین در اذهان عامه و گروه‌های انسانی؛
۳- تروریسم به مفهوم مبارزه تروریستی روشنفکران انقلابی چه از توده‌ها؛ که عبارت است از جریانی خرده بورژوازی که در مرحله‌ای از جنبش انقلابی در اروپا ظاهر شد.

ب) اجزاء مفهومی و مصادیق تروریسم

شاخصه‌ها و اجزاء مفهومی تروریسم عبارتند از:

- ۱- خشونت: عمومی‌ترین ویژگی تروریسم خشونت یا تهدید به استفاده از خشونت می‌باشد.
- ۲- قربانی: انتخاب تصادفی یا از روی هدف غیرنظامیان یکی از ویژگی‌ها و معیارهای اقدامات تروریستی است.
- ۳- هدف: هدف تروریسم ایجاد وحشت و ترس در قربانی است که این قربانی می‌تواند حکومت، کل جامعه یا گروهی از اعضای جامعه باشد.
- ۴- انگیزه: اقدامات تروریستی ممکن است برای رسیدن به اهداف سیاسی یا مذهبی انجام شود و یا ممکن است بر اساس کسب منافع مشخصی صورت گیرد.
- ۵- قانون‌مندی: غیر قانونی بودن از ویژگی‌های بارز تروریسم است.
- ۶- قبول مسؤولیت: صدور بیانیه پس از اقدام تروریستی یکی از ویژگی‌های تروریسم است. این بیانیه می‌تواند ضمن قبول مسؤولیت اقدام، ترویج کننده مواضع عقیدتی، سیاسی یا ملی تروریست‌ها نیز باشد.

- ۷- عامل اقدام تروریستی (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: ۲۳-۲۴)
- اصطلاح تروریسم به‌طوری محمل شامل موارد زیر می‌شود:
- ۱- جرایمی که دولت‌ها بر ضد دیپلمات‌ها مرتکب می‌شوند؛
 - ۲- جرایمی که دولت‌ها بر ضد اشخاص تحت حمایت (مانند غیر نظامیان در زمان جنگ) مرتکب می‌شود؛
 - ۳- جرایمی که دولت‌ها یا کسانی که در خدمت دولت‌ها هستند بر ضد هواپیماها و کشتی‌ها مرتکب می‌شوند؛
 - ۴- جرایم گروگان‌گیری توسط دولت؛
 - ۵- جرم اجازه دادن دولت به گروه‌های غیر دولتی برای استفاده از قلمروش برای اقدام نظامی بر ضد سایر دولت‌ها، اگر این اقدام به وضوح شامل هدف گرفتن آماج‌های ممنوع (نظیر شهروندان غیرنظامی) یا شیوه‌های ممنوع اعمال زور باشد؛
 - ۶- اقدام عوامل غیر دولتی که متضمن هدف گرفتن آماج‌های ممنوع یا شیوه‌های ممنوع باشد؛
 - ۷- اغماض یا کوتاهی از کنترل چنین اقداماتی توسط عوامل غیردولتی.
- این امر مسؤولیت غیر مستقیم دولت را به همراه دارد و تحت عنوان «تروریسم دولتی» قرار می‌گیرد (هیگینز، ۱۳۸۴: ۳۲۰).
- در ادبیات و دانشنامه‌های سیاسی، هواپیمارمایی^۱ آدم‌ربایی^۲ و گروگان‌گیری^۳ (این تاکتیک به زندانی کردن یک نفر یا جمعی از افراد با هدف سیاسی یا اخاذی اطلاق می‌شود)، بمب‌گذاری^۴ (با هدف ایجاد ترس و هراس در بین مردم) و ترور (کشتن افراد و مقامات سیاسی و یا نظامی با سلاح گرم یا سرد)^۵ از مصادیق اصلی تروریسم است.
- کنوانسیون اروپایی مبارزه با تروریسم، مصادیق اقدامات تروریستی را چنین معرفی کرده است:

۱- Hijacking
۲- Kidnapping
۳- Hostage taking
۴- Bombing
۵- Assassination

هوایماریایی و هر اقداماتی که امنیت مسافران هوایی را به خطر اندازد؛ تجاوز بر ضد زندگی و آزادی افرادی که از نظر بین‌المللی حمایت می‌شوند از جمله نمایندگان دیپلماتیک؛ آدم‌ربایی؛ گروگان‌گیری؛ بمب‌گذاری و به کارگیری بمب‌های نامه‌ای یا بسته‌ای که زندگی افراد را به خطر می‌اندازد؛ و سرانجام تلاش در جهت ارتکاب یکی از اقدامات فوق یا مشارکت و همکاری در ارتکاب این گونه اقدامات (پیروزان، ۱۳۸۸).

ج) عناصر و ویژگی‌های تروریسم

تروریسم در برگیرنده سه مؤلفه اصلی است: قربانی، تروریست و مخاطب. در این میان هدف اصلی، قربانی است؛ به‌ویژه هنگامی که هدف حمله تروریستی روشن نباشد، این مساله نمود بیشتر می‌دارد. همچنین، تروریسم دارای چهار عنصر مختلف است.

۱- تروریسم عملی از قبل طراحی شده است تا عملی از روی عصبانیت یا انتقام باشد؛

۲- تروریسم عملی سیاسی است نه جنایی. به این معنی که هدف آن ایجاد تغییر در نظم سیاسی مستقر است و نه کسب دستاوردهای مالی؛

۳- اعمال تروریست عمدتاً توسط نظامیان انجام نمی‌شود و این گروه‌های غیرنظامی هستند که مجریان اصلی این عملیات‌اند. (سیمبر، ۱۳۸۸: ۳۱)

در یک بررسی کلی، ویژگی‌های عمده تروریسم عبارتند از:

- استفاده منظم از قتل، جرح و تهدید برای دستیابی به یک هدف انقلابی مانند بر پایه نظام سیاسی جدید؛

- وجود جو ترس، ارباب و تهدید؛

- از دیدگاه تروریست‌ها، همه مورد هدف هستند و هیچ کس در امان نیست؛

- غیرقابل پیش‌بینی است؛

- از روش‌های وحشیانه و خشونت‌آمیز مانند بمب‌گذاری با ماشین، بمب دستی و غیره استفاده می‌شود.

د) اهداف تروریسم

اهداف اساسی که تروریست‌ها دنبال می‌کنند عبارتند از:

- ۱- تغییر رژیم سیاسی
- ۲- تغییر قلمرو جغرافیایی حکومت
- ۳- تغییر سیاست و خط مشی دولت‌ها
- ۴- کنترل اجتماعی
- ۵- حفظ وضع موجود

هیگینز^۱ در خصوص هدف تروریست‌ها می‌نویسد:

هدف یا انگیزه آشکارا یک عنصر کلیدی در فهم تروریسم است. مطمئناً همه ما معتقدیم که برای یک تروریست، هدف استفاده از ترس یا نگرانی شدید برای وادار ساختن آماج اصلی خود به انجام رفتاری یا اتخاذ ایستارهایی است که با یک نتیجه سیاسی مطلوب ارتباط دارد (Higgins, ۱۹۹۷).

ن) جرم انگاری تروریسم

هر پدیده جنایی با ناامن کردن جامعه، ترس را بر مردم مستولی نموده و نظم اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد.

در خصوص پدیده تروریسم با وجود ابهامات و اختلافات در مفهوم و شناخت مصادیق آن در اصل مبارزه با این پدیده خطرناک، اختلافی وجود ندارد. زیرا موضوع اصلی حملات تروریستی، مهمترین ارزش‌های جامعه اسلامی و از جمله جان افراد بی‌گناه است. ضرورت برقراری امنیت اجتماعی و حفظ جان اشخاص، از طبیعی‌ترین انتظارات جامعه است.

تروریسم پدیده‌ای نوظهور نیست بلکه شیوه‌های جدید ارتکاب آن، سازمان یافتگی و گسترش خطرهای آن برای امنیت اجتماع انسانی سبب شده ضمانت اجرای سنتی موجود در حقوق کیفری در مقابله با این پدیده، ناکارآمد و یا ناقص جلوه کند (حبیب‌زاده و حکیمی‌ها، ۱۳۸۶).

۱- Higgins

منظور از جرم انگاری تروریسم، توصیف مجرمانه آن به صورت مستقل و متناسب با تحول مفهومی و مصداقی تروریسم است. زیرا بسیاری از اعمال تروریستی مانند قتل نفس، تخریب عمدی اموال و گروگان‌گیری، از گذشته‌های دور به عنوان جرایم طبیعی قابل مجازات بودند. اما اتخاذ سیاست جنایی مناسب در این زمان به لحاظ ملاحظات داخلی و بین‌المللی و مقابله با همه اشکال تروریسم نیاز امروز جهان است (همان).

تروریسم در معنای حالت وحشت فوق‌العاده ناشی از دست زدن به خشونت و قتل از سوی حزب یا دولتی به منظور نیل به هدف سیاسی، جرمی است که می‌تواند ماهیتی سیاسی داشته باشد.

امروزه جرایم تروریستی از حالت انفرادی خارج و به صورت جرایم سازمان یافته^۱ واقع می‌شوند و خطر واقعی ناشی از این نوع اعمال سازمان یافته است. اما نمی‌توان منکر ارتکاب اعمال تروریستی به صورت انفرادی شد. در تعریف حقوق از تروریسم یا باید از آوردن قید سازمان یافتگی اجتناب کرد یا در کنار آن ارتکاب غیر سازمان یافته را هم ذکر کرد.

و) انواع تروریسم

تروریسم، دارای انواع و گونه‌هایی به شرح زیر است:

۱- تروریسی سیاسی: این گونه تروریسم از سوی گروه‌های کوچک و بی‌بهره از پایگاه قدرت به کار می‌رود (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: ۲۶).

۲- تروریسم مذهبی: در این گوه تروریسم، به پدیده‌های خشونت‌آمیز بر پایه باورهای مذهبی مشروعیت بخشیده می‌شود.

۳- تروریسم با پشتیبانی دولت‌ها: برخی دولت‌ها، از پاره‌ای سازمان‌های تروریستی پشتیبانی می‌کنند و به آنها کمک‌های مالی می‌دهند. این همان پدیده «تروریسم دولتی» است و منظور از آن انجام گرفتن کارهای تروریستی از سوی مأموران یک دولت خاص است (مقصودی و حیدری، ۱۳۸۸).

۱- Organized Crimes

- ۴- تروریسم داخلی: این نوع تروریسم در درون مرزهای یک کشور سر بر می‌آورد و اثر آنها تنها به خود کشور، نهادها، شهروندان و اقتصاد آن محدود می‌شود. در یک رویداد تروریستی داخلی، مرتکبان، قربانیان و مخاطبان، همگی از همان کشور هستند.
- ۵- تروریسم بین‌المللی: تروریسم در معنای بین‌المللی، آن است که رویداد تروریستی در کشوری جزء کشور عاملان یا قربانیان صورت می‌گیرد؛ همچنین گاهی ممکن است رویداد تروریستی در شکوری آغاز شود و در کشوری دیگر پایان یابد.
- ۶- تروریسم آزاد: تروریسم آزاد به اقدامات تروریستی لقب داده می‌شود که بدون حمایت یا وابستگی به سازمان‌های تروریستی توسط افراد یا گروه‌های کوچک با هدف مشخصی، بشر دوستانه یا حمایت از محیط زیست انجام شود (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶؛ به نقل از ۱۴۴: ۲۰۰۳، Kushner).
- ۷- بیوتروریسم: به اقدامات تروریستی اطلاق می‌شود که در آن از تسلیحات یا مواد کشنده بیولوژیک برای اهداف غیر نظامی استفاده می‌شود.
- ۸- تروریسم شیمیایی: یکی از ابعاد تروریسم است و به اقدامات تروریستی اطلاق می‌شود که از مواد و عوامل شیمیایی در بمب‌ها و یا موشک‌ها علیه اهداف غیرنظامی استفاده می‌شود.
- ۹- تروریسم کشاورزی: در این نوع تروریسم با استفاده از تاکتیک‌های بیوتروریسم و با هدف نابودی مزارع مواد غذایی نظیر غلاف انجام می‌گیرد.
- ۱۰- تروریسم جنایی: تروریسم جنایی، ناظر بر اقدامات تروریستی تشکیلاتی با مطامع مشخص می‌باشد.
- ۱۱- نارکو تروریسم: اقدامات تروریستی است که از سوی سوداگران مواد مخدر به کار گرفته می‌شوند. نارکو تروریسم برای توصیف حملات سوداگران مواد مخدر برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های دولت و عدم اجرای قانون به واسطه تهدیدات منظم و استفاده از خشونت می‌شود (همان، ۲۶).
- ۱۲- تروریسم ملی گرا: این دسته از تروریست‌ها به دنبال یک حکومت مستقل و پایان دادن به اشغال کشور و یا حرکت ضد استعماری برای پایان دادن به استعمار کشور و کسب استقلال آن می‌باشند.
- ۱۳- تروریسم پست مدرن: این گونه از تروریسم، بین‌المللی است و شهروندان عادی را بیش از نظامیان هدف قرار می‌دهند، همواره جابجا می‌شوند، از فناوری‌های جهانی ارتباطات و اطلاعات

(ICT) بهره می‌گیرند، با سلول‌هایش که نقش شبکه‌های اطلاعاتی دارند، می‌توانند پیوسته خود را ارزیابی کنند و به قید و بندهای رسمی شناخته شده پایبند نمی‌باشند.

۱۴- تروریسم دولتی: تروریسم دولتی اصطلاحی است که برای دخالت دولت یا دولت‌هایی در امور داخلی یا خارجی دولتی دیگر که به وسیله اجراء یا مشارکت در عملیات تروریستی با حمایت از عملیات نظامی یا زوال، تضعیف و براندازی دولت مذکور با کل دستگاه حاکمه آن کشور انجام می‌شود، اطلاق می‌نماید.

کمک‌های مادی و معنوی (مثل حمایت سیاسی) به گروه‌های مخالف و مشارکت در عملیاتی چون بمب‌گذاری، مین‌گذاری بنادر و سواحل، آدم‌ربایی، هواپیما دزدی و ترور مقام‌های عالی مملکتی، نمونه‌هایی از تروریسم دولتی است.

تفاوت عمده تروریسم دولتی و تروریسم غیردولتی در مجری آن است؛ بدین معنی که مجری و طراح اعمال تروریستی غیردولتی افراد، گروه‌ها و احزاباند و مجری و طراحی اعمال تروریستی دولتی، یک دولت یا چند دولت خاص هستند. علاوه بر این دخالت دولت یا دولت‌ها در اعمال تروریستی دو گونه است:

- ۱- به صورت مستقیم؛ یعنی خود دولت اعمال تروریستی را علیه دولت دیگر انجام می‌دهد.
 - ۲- به صورت غیرمستقیم؛ یعنی به وسیله فرستادن کمک‌های مادی مانند این که اسلحه، مهمات و وسایل پیشرفته نظامی در اختیار گروه‌های مخالف دولت مذکور قرار داده شود یا گستردن چتر حمایت معنوی از گروه‌های مزبور مانند حمایت سیاسی یا اقتصادی یا تبلیغاتی.
- تروریسم ممکن است داخلی^۱ یا بین‌المللی^۲ باشد. تروریسم بین‌المللی حداقل یک عنصر و پیامد بین‌المللی دارد. در این نوع از تروریسم، تروریست‌ها به خاطر ارتباط و منافع موجود نزد دولت بیگانه‌ای به خارج از مرز کشور می‌روند تا به اهداف‌شان ضربه وارد سازند. از این رو با انتخاب قربانیان یا اهداف خود، به خطوط هواپیمایی در پروازهای بین‌المللی حمله کرده و یا آنها را مجبور به پرواز و فرود در کشور دیگری می‌کنند (Jenkins, ۱۹۸۵:۱۳).

برای تحقق تروریسم بین‌المللی باید منافع چند کشور درگیر شود، از این رو فعالیت‌های گروه‌های متخاصم محلی در زمانی که علیه حکومت ملی یا شهروندان خود در همان کشور

۱- Domestic Terrorism

۲- International Terrorism

(کشوری که گروه‌های متخاصم در آنند) واقع شود را شامل نمی‌شود، مگر آن که ارتباطی خارجی در آن متصور باشد (حبیب‌زاده و حکیمی‌ها، ۱۳۸۶: ۵۳).

۱۵- سایبر تروریسم: اینترنت یا جهان مجازی محیطی آفریده است که در آن می‌توان انواع جرایم را دید و از آنجا که جهان مجازی حد و مرزی ندارد، مشکلات بسیاری چه از جهت قانون‌گذاری و چه از جهت نظارت، پدید می‌آورد. سایبر تروریسم^۱ عبارت است از: تلاقی تروریسم و فضای رایانه‌ای.

سایبر تروریسم عموماً به معنای حملات غیرقانونی بر ضد رایانه‌ها و شبکه‌های رایانه‌ای و اطلاعات ذخیره شده در آنهاست که هدف از آن، ارعاب یا اجبار یکی دولت یا اتباع آن به منظور پیشبرد اهداف سیاسی یا اجتماعی می‌باشد این حملات باید منجر به اعمال خشونت بر ضد اشخاص یا دارای‌ها شود یا دست کم باعث آن اندازه آسیب آنها گردد که ایجاد ترس نماید. (Denning, ۲۰۰۰).

استارک (Stark, ۱۹۹۹) تعریف مشابه تعریف دنینگ به دست می‌دهد و در آن کوشش می‌کند بُعد رایانه‌ای و نیز متعارف سایبر تروریسم را مورد توجه قرار دهد. وی می‌نویسد؛ سایبر تروریسم عبارت است از استفاده هدفمند یا تهدید به استفاده از جنگ رایانه‌ای یا توسل به خشونت بر ضد اهداف رایانه‌ای با انگیزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یا مذهبی از سوی گروه‌های غیردولتی یا گروه‌های تحت هدایت و حمایت دولت به منظور ایجاد ترس و نگرانی و وحشت در جمعیت مورد نظر و آسیب رساندن به دارایی‌ها و اموال نظامی و غیر نظامی. گروه‌های تروریست به‌طور فزاینده‌ای از فناوری رایانه برای تحقق بخشیدن به بسیاری از اهداف سازمانی خود بهره می‌گیرند.

اینترنت برای تروریست‌ها جذابیت مضاعف دارد زیرا این فناوری با فراهم آوردن بیشترین مخاطب برای مشاهده فعالیت‌های خشونت‌آمیز، موجب تکرار مضامین اصلی مبارزات آنها می‌شود و هم با یادآوری مکرر توانایی‌های بالقوه آنها برای توسل به اقدامات خشونت‌آمیز در آینده، موجب تشدید و افزایش ترس و وحشت در مخاطبان مورد نظر تروریست‌ها می‌گردد.

۱- Cyber Terrorism

شبکه‌های رایانه‌ای، گذشته از رساندن به تبلیغات تروریستی امکانات عضوگیری و تامین منابع مالی را برای تروریست‌ها افزایش می‌دهد. توانایی تروریست‌ها برای گسترش فعالیت‌های خود از طریق عضوگیری، برقراری ارتباط و به‌ویژه تامین منابع مالی بدون اطلاع مراجع دولتی، خواه ناخواه منجر به شکل‌گیری گروه‌های تروریست قوی‌تر و در نتیجه انعطاف‌پذیرتر می‌شود. در عوض توانایی بالقوه گروه‌های تروریست برای دست زدن به فعالیت‌هایی که بیشتر به اقدامات ملموس مبتنی است تهدید صرف، نیز به نوبه خود به شکل قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است.

گروه‌های تروریست امروزی که قادرند بی‌آنکه شناسایی شوند، رشد یابند، روز به روز قدرتمندتر، ناپیدتر و مرگبارتر از همتایان قبلی از خود می‌شوند. گذشته از این و شاید مهم‌تر اینکه، ظهور شبکه‌های رایانه‌ای ساختار سازمانی گروه‌های تروریست، سمت و سوی تازه‌ای داده است. گروه‌های تروریستی که از رایانه برای ارتباطات خود استفاده می‌کنند، احتمالاً فراتر از ساختارهای سلسله‌مراتبی تشکیلاتی می‌روند و از ساختارهای شبکه‌ای بهره می‌جویند.

گروه‌های تروریست فعال در زمینه سایبرتروریسم به خاطر تهدیدهایی که متوجه تجارت، ایمنی عمومی و امنیت ملی کرده‌اند، مورد توجه قرار گرفته‌اند. این تهدیدها ممکن است اشکال مختلفی به خود بگیرد اما عموماً در چارچوب تقابل رایانه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. گروه‌های تروریست از فناوری رایانه‌ای خود برای تهدید یا حمله کردن به منابع رایانه‌ای بهره می‌گیرند. این عمل می‌تواند به شکل تهدید یا حمله بر ضد زیر ساخت‌های ملی که شدیداً به شبکه‌های رایانه‌ای وابسته شده‌اند و دارای ارتباط متقابل با این شبکه‌ها می‌باشند، تجلی یابد. (فلمینگ و استون، ۱۳۸۴: ۱۶۳)

تهدیدات سایبرتروریستی می‌تواند شامل انواع ذیل باشد:

- ۱- انتقال سریع تهدیدها به طیف گسترده‌ای از مخاطبان یا مخاطبان خاص؛
- ۲- تهدیدات تأسیسات آب و برق و... و سیستم حمل و نقل عمومی؛
- ۳- تهدید نهادهای تجاری و شرکت‌های فراملی؛
- ۴- تهدید سازمان‌های بین‌المللی دولتی و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی؛
- ۵- تهدید افراد؛

۶- تهدید گروه‌های سیاسی یا دیگر واحدهای نژادی، مذهبی یا ملت‌گرا که «دشمن» شناخته می‌شوند؛

۷- تهدید نیروهای امنیتی؛

۸- تهدید دولت‌های ملی.

مباحث مربوط به سایبر تروریسم از ایجاد مزاحمت توسط خرابکاران رایانه‌ای^۱ آغاز می‌شود و تا مباحث مربوط به پیامدهای فاجعه بار حملات شیمیایی، میکروبی، تشعشع و هسته‌ای را در بر می‌گیرد.

جانانان وایت^۲ در کتاب «مقدمه‌ای بر تروریسم» خویش پنج نوع تروریسم را از هم متمایز می‌نماید که عبارتند از: تروریسم جنایی، تروریسم ایدئولوژیک، تروریسم ملت‌گرا، تروریسم دولتی و تروریسم انقلابی (White, ۱۹۹۱).

وایت بر این عقیده است که علاوه بر انواع فوق، گونه‌های دیگری از تروریست هم وجود دارند و پنج گونه تروریسم یاد شده به هیچ وجه بیان‌گر تمام فعالیت گروه‌های تروریستی موجود نمی‌باشد.

گفتار دوم: تبیین تروریسم؛ ریشه‌ها و عوامل

بن مایه‌های اصلی تروریسم عبارتند از:

۱- تنگدستی و محرومیت

تنگدستی، کمبود آموزش یا محرومیت و احساس نبود عدالت اجتماعی از دلایل و ریشه‌های تروریسم است.

۲- ایدئولوژیک و مذهب

اختلاف و تضادهای مذهبی و ایدئولوژیک از عوامل کارساز در گسترش تروریسم است. دین، مذهب و ایدئولوژی عامل بسیار مهمی در برانگیختن احساسات انسان و واداشتن او به کارهای جسورانه و از جان گذشتگی است.

۱- Hackers

۲- Jonathan White

۳- مسائل قوی و ناسیونالیستی

تنش‌های قومی - ملی نیز می‌تواند از عوامل گسترش تروریسم باشد.

۴- نئورادیکالیسم

رادیکالیسم نو یا چپ نو را که فرآورده دهه ۱۹۷۰ و اعتراض به مصرف‌گرایی در جهان سرمایه‌داری بوده نیز می‌توان از دیگر ریشه‌های تروریسم دانست.

۵- بی‌قانونی و آشفتگی

نبود تعادل و انسجام و نیز بی‌قانونی در جامعه عامل دیگری برای پیدایش و گسترش تروریسم است. هر اندازه همبستگی و پیوند لایه‌های جامعه بیشتر باشد. به همان نسبت رشد تروریسم در آن کمتر است.

۶- رسانه‌های گروهی

پژوهش‌های بسیاری نشان داده‌اند که میان پوشش رسانه‌ای و از همه مهمتر تلویزیون و گسترش تروریسم پیوند وجود دارد. رسانه‌ها به سادگی شیوه و الگوی تروریستی را در اختیار دارندگان انگیزه‌های تروریستی می‌گذارند و می‌توانند به روش‌های گوناگون در آنها ایجا انگیزه کنند (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: ۱۵۷-۱۵۵؛ مقصودی و حیدری، ۱۳۸۸).

نداشتن فرصت سیاسی، تلقی غیرقانونی بودن رژیم، نابرابری اقتصادی، بی‌ثباتی اجتماعی ناشی از فرآیندهای مدرنیزاسیون از عوامل تسریع‌کننده اعمال تروریستی‌اند. عوامل تسریع‌کننده در جدول زیر نشان داده شده‌اند.

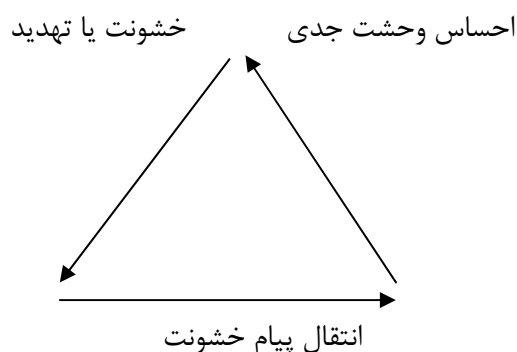
عوامل	طبقه‌بندی عوامل نظام‌مند
تبیین‌های نظام‌مند جهانی	عوامل نظام جهانی
غیر قانونی بودن حکومت سرکوب دموکراسی مدرنیزاسیون اقتصاد	عوامل ساختار دولتی
تحصیلات عدم امنیت انسانی بی عدالتی و اضطراب ساختارهای سیاسی و پیوندهای اجتماعی ایدئولوژی مذهب و فرهنگ	عوامل اجتماعی و فرهنگی

از نظر کار سند- هنگ (به نقل از: حاجیانی و ضمیر، ۱۳۸۹: ۵۷) تروریسم نتیجه ناخواسته موج اعتراض است. چهار فاز این موج عبارتند از: تجهیز، تمایز، ادغام یا افراطی‌گری و سرانجام.

گفتار سوم: نظریه‌های تروریسم

بر پایه نظریه آکس اشمیت^۱ اقدام تروریستی یک اقدام سه وجهی و اقدام خشونت‌آمیز یک اقدام دو وجهی است. اقدام خشونت‌آمیز در حقیقت، قاتل و مقتول، یا ضارب و مجروح می‌باشد. در حالی که اقدام تروریستی یک وجه آن «انجام خشونت و تهدید» وجه دوم آن «انتقال پیام خشونت» و وجه سوم آن «احساس وحشت جدی» می‌باشد.

^۱- Alex Schmidt



از نظر اشمیت بین هدف خشونت و هدف ترور و بین قربانی^۱ و حریف^۲ تفاوت وجود دارد. در یک قتل تروریستی، قربانی به راحتی می‌تواند تغییر کند چرا که هدف غایی تأثیر بر افکار عمومی است. بنابراین باید بین یک ترور عمومی و یک ترور در قالب تروریسم تمایز قائل شد. در همین چارچوب، اولی را باید قتل غیر سیاسی و دومی را باید قتل سیاسی به حساب آورد. در قتل نوع اول، قربانی حریف خود را و تهدیدات ناشی از آنها را قبل از آن که بمیرد، می‌شناسد و می‌داند که چه منظوری دارد؛ در حالی که در مورد دوم، قربانی یا قربانیان اغلب از اینکه به عنوان بخشی از درگیری لحاظ شده‌اند، بی‌خبرند و حمله مهاجم برای قربانی غیرمنتظره است و این از نظر اشمیت دلیل اصلی وحشت از سوی تروریسم است.

اشمیت تروریسم را به سه دسته کلی «تروریسم سیاسی»، «جرم سازمان یافته مرتبط با تروریسم» و «تروریسم پاتولوژیک یا بیمارگونه و روانی» تقسیم کرده و در این میان به تروریسم سیاسی به عنوان نوع اصلی تروریسم توجه نمود و آن را به چهار دسته کلی تقسیم کرده است که شامل «تروریسم شورشی»، «تروریسم خود گمارنده قانون»، «تروریسم دولتی» و «تروریسم تحت حمایت حکومت‌ها» می‌گردد (عبداله‌خانی، ۱۳۸۶: ۴۳-۴۱).

به نظر اشمیت، تروریسم روشی از مبارزه است که در آن از قربانیان نمادین یا اتفاقی به عنوان هدف ابزاری خشونت استفاده می‌شود. این قربانیان ابزاری غالباً دارای ویژگی‌های گروهی یا طبقاتی مشترکی هستند که معیار انتخاب آنها به عنوان قربانی است (Schmid, ۱۹۸۸: ۱۸-۱۹).

۱- Victim

۲- Opponent

از نظر والتر لاکوئر^۱ تروریسم به معنای استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت می‌باشد (عبداله خانی، ۱۳۸۶: ۵۹) یعنی شیوه‌ای جنگی یا راهبردی برای رسیدن به اهداف مشخص؛ اهدافی که به دنبال ایجاد ترس در بین قربانیان است. در این چارچوب افکار عمومی یا همان مردم عوامل اساس راهبرد تروریسم می‌باشند و بدون آنها ترور یا همان وحشت معنا پیدا نمی‌کند.

لاکوئر معتقد است با وجود غیرمنتظره بودن اقدام تروریستی، در اغلب موارد اهداف نه چندان تصادفی مورد حمله قرار می‌گیرد و اصولاً اهداف گزینشی است (همان، ۶۰). لاکوئر برخی از تروریست‌ها را طرفداران «تروریست خالص»^۲ می‌نامد که مدعی هستند نیازی به استفاده منظم و سیستماتیک از تروریسم ندارند و تنها یک اقدام منفرد تروریستی می‌تواند نتیجه لازم را در پی داشته باشد. از سوی دیگر هر گروه تروریستی ممکن است درجه خالصی از نتیجه را دنبال کند، مثلاً برخی به دنبال اصلاح هستند و برخی به دنبال نابودی ساختار (همان، ۶۴).

لاکوئر در بحث ریشه و عوامل تروریسم، به عوامل عمده‌ای چون، فقر، آزادی، توزیع نامتناسب ثروت بین کشورهای جهان از یک سو و میان مردم از سوی دیگر، تنش‌های قومی ملی، برخورد تمدن‌ها، رژیم صهیونیستی، محرومیت ملی و بی‌عدالتی اجتماعی، کسب قدرت و برنامه‌های گسترده برای آینده، ارتباط بین پوشش رسانه‌ای و گسترش تروریسم، نقش دلایل و عوامل فنی، عوامل روانی، روحی، پرخاشگری و تعصب در شکل‌گیری تروریسم مؤثر می‌داند. (همان، ۶۸).

لاکوئر، تروریسم را به چهار دسته کلی تقسیم می‌کند که عبارتند از: تروریسم بین‌المللی، تروریسم چپ‌گرا، تروریسم ملی‌گرا - جدایی طلب و تروریسم شهری. از نظر جوزف نای^۳، تروریسم نوع و شیوه‌ای از درگیری است که اغلب به‌عنوان یک حمله آگاهانه و عمومی علیه انسان‌های بی‌گناه با هدف ایجاد ترس و وحشت اعمال می‌شود.

۱- Walter Laqueur

۲- Purest Terrorist

۳- Joseph Nye

از نظر نای دو عامل فناوری و سیاسی، تروریسم را در صحنه بین‌المللی وارد جایگاه جدیدی نموده است. تغییر در انگیزه و سازمان گروه‌های تروریستی نیز عامل مهمی است. به نظر نای، تروریسم در قرن بیستم تقریباً اهداف سیاسی واضح و مشخصی است و از ابزار کشتار جمعی بی‌بهره بود و بسیاری از گروه‌های تروریستی توسط حکومت‌ها کنترل و حمایت می‌شوند. اما در سال‌های پایانی قرن بیستم این گرایش تغییر کرد و گروه‌های تروریستی بر پایه اعتقادات دینی شکل گرفت که هم خوب آموزش دیده بودند و هم از بعد اعتقادی بسیار غنی گشته بودند.

نای در خصوص امکان مبارزه با تروریسم معتقد است که نابودی کامل تروریسم غیر ممکن است اما چند توصیه به‌عنوان راهکارهای کاهش میزان و تأثیر حملات تروریستی ارائه می‌دهد:

- ۱- مشروعیت زدایی از حملات علیه انسان‌های بی‌گناه؛
 - ۲- تشویق حکومت‌ها به حمایت نکردن از تروریسم و گروه‌های تروریستی؛
 - ۳- محافظت هر چه بیشتر و بهتر از اهداف تروریستی در داخل هر کشور و کاهش درصد موفقیت حملات تروریستی؛
 - ۴- مسدود کردن راه دسترسی تروریست‌ها به تسلیحات کشتار جمعی؛
 - ۵- شناسایی ریشه‌های تروریسم و حل مسائل به وجود آورنده و تروریسم به صورتی که انگیزه اقدامات تروریستی را از بین برده یا کاهش دهد.
- هارویتز^۱ بر نقش حیاتی اعمال قانون تأکید دارد. بنابر یافته‌های وی، خشونت اطلاق هرگز بدون حمایت مسوولان و یا اعمال قانون روی نمی‌دهد. به نظر هارویتز، اگر ابزار نظم عمومی توانا و مشخص باشد نمی‌توان از تمامی اشکال خشونت اجتناب کرد، اما می‌توان انتظار تأثیر بلند مدت آن را داشت. هارویتز، شرایط تسهیل‌کننده خشونت را به نحوه ذیل گروه‌بندی می‌کند:

- ۱- عدم اطمینان: شرایط پر تنش موجود میان دو گروه؛
- ۲- بخشودگی: این باور که مقصر هیچ‌گاه دستگیر و یا مجازات نمی‌شود؛
- ۳- توجیه: این باور که مقصر برای انجام عملی علیه گروه مخالف دارای منطق بوده و علاوه بر این، خشونت اعمال شده ابزاری قانونی است.

۱- Horowitz

یورگن هابرماس معتقد است که خشونت تروریسم از بنیادگرایی سرچشمه مایه می‌گیرد، به گونه‌ای در چارچوب آسیب‌شناسی ارتباط می‌گنجد که از بدگمانی مایه می‌گیرد و به شکست می‌انجامد. از دید او تروریسم در سایه مدرنیزاسیون شتابزده و بی‌ریشه پدید می‌آید. بدین‌سان اصلاح ساختار و چگونگی ارتباط، می‌تواند بر مشکلات برآمده از تروریسم پیروز شود (مقصودی و حیدری، ۱۳۸۸).

از دید هابرماس، تروریسم از پیامدهای منفی مدرنیزاسیون است. به باور او، عامل تروریسم شتابی است که مدرنیته تحمیل می‌کند و در شیوه‌ای زندگی سنتی، واکنش‌های دفاعی پدید می‌آورد. از نظر او جهانی شدن نقش بنیادی در تروریسم بازی می‌کند نابرابری‌ها نیز برخاسته از روند شتابزده مدرنیته است (همان).

از نظر هابرماس، سه نکته بنیادی تروریسم عبارتند از: کاربرد خشونت، وجود هدف‌های سیاسی و قصد ایجاد ترس در جمعیت هدف (هابرماس، ۱۳۸۰: ۷۹).

نتیجه‌گیری

تروریست‌ها چه به‌صورت گروهی دست به اقدام بزنند و چه به شکل انفرادی، در هر حال تهدیدی جدی برای امنیت کل جامعه هستند. صاحب‌نظران بر این نکته موافق‌اند که بهترین راه مبارزه با تروریسم آن است که مجریان قانون در مورد انگیزه‌ها و ساختارهای سازمانی گروه‌های تروریست آموزش ببینند و نیز قانون ناظر بر این گونه اقدامات با دوراندیشی به اجراء در آید.

به‌علت نبود توافق بین‌المللی در خصوص چارچوب قانونی مبارزه با تروریسم بین‌الملل تا امروز شیوه برخورد با این پدیده بسیار گزینشی و جزئی بوده است. در برخورد و مبارزه با پدیده تروریسم باید گام‌های بنیادین برداشته شوند، چند گام اساسی عبارتند از:

- ۱- تعریف جامع، دقیق، معنادار و پذیرفته شده جهانی از تروریسم؛
- ۲- تدوین چارچوب حقوق جامع برای مبارزه با تروریسم؛
- ۳- تقویت عزم و اراده کافی میان دولت‌ها، به‌ویژه دولت‌های قربانی و تقویت همکاری‌های بیشتر برای مبارزه با تروریسم؛

۴- خودداری از هرگونه اقدامات خشن، خشونت‌آمیز و تروریستی و رعایت حقوق بین‌الملل، شامل: احترام به حقوق انسانی، حل اختلافات یا بحران‌ها در چارچوب یک نهاد چندجانبه یعنی با خودداری از اقدام یک جانبه به این منظور که واکنش‌های خودسرانه تا حد امکان محدود شود؛ ترویج و ترغیب عدالت و در نتیجه سرکوب جرایم بین‌المللی با محاکمه متهمان در یک دادگاه عادلانه؛ پی‌گیری صلح و خودداری از توسل به خشونت و حفظ غیرنظامیان بی‌گناه در مقابل اقدامات مسلحانه.

پیشرفت مبارزه با تروریسم در گرو آن است که هرگونه تعارض میان اقدام حقوقی و مساله سیاسی برطرف شود. گرچه حصول این امر دشوار می‌نماید، اما به هیچ وجه ممکن نیست. قبل از هر چیز، کشورها باید به تعریف پذیرفته شده‌ای از تروریسم برسند که هم ساده و هم عملی باشد و تمام اشکال و گونه‌های تروریسم را پوشش دهد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آقابخشی، علی (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: نشر چاپار.
- پیروزان، علیرضا (۱۳۸۸). «اتحادیه اروپایی و پدیده تروریسم»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال بیست و چهارم، شماره ۲۶۶-۲۶۵.
- حبیب زاده، محمدجعفر و سعید حکیمی‌ها (۱۳۸۶). «ضرورت جرم‌انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره یازدهم، شماره ۲ (۵۱ پیاپی)، صفحه ۴۷-۷۲ (۲۶)، تیر.
- حاجیانی، ابراهیم. ضمیر، عبدالحسین (۱۳۸۹). پژوهش‌ها و مطالعات تروریسم. تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- خامه‌ای، انور (۱۳۸۱). شاه‌کشی در ایران و جهان. تهران: انتشارات چاپخش.
- سیمبر، رضا (۱۳۸۸). تروریسم در نظام بین‌الملل. رشت: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- طیب، علیرضا (۱۳۸۲). تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق. تهران: نشر نی.
- عبداله‌خانی، علی (۱۳۸۶). تروریسم شناسی. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر تهران.

کشاوری، بهمن (۱۳۸۵). فرهنگ حقوقی انگلیسی به فارسی. تهران: انتشارات امیر کبیر.

فلمینگ، پیتر و مایک استول (۱۳۸۴). سایبر تروریسم: پندارها و واقعیت‌ها، ترجمه اسماعیل بقایی همامانه و عباس باقرپور ارکانی (در کتاب تروریسم، گردآوری و ویرایش: علیرضا طیب). تهران: نشر نی.

مستقیم، بهرام و روح‌اله قادری کنگاوری (۱۳۹۰). «نقض حقوق بشر و گسترش تروریسم»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۱.

مقصودی، مجتبی و حیدری، شقایق (۱۳۸۸). «دگرگونی مفهوم تروریسم، بررسی مورد تروریسم در هند»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هفتم و هشتم، شماره ۲۶۰-۲۵۹.

هابرماس، یورگن (۱۳۸۰). «تروریسم پدیده‌ای مدرن است»، مجله بازتاب اندیشه، سال دوم، شماره ۲۲.

هرسیج، حسین (۱۳۸۰). «رابطه عملیات تروریستی و سیاست‌های مداخله گرایانه آمریکا»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال شانزدهم، شماره ۱۷۱-۱۷۲.

هیگینز، دوزالین (۱۳۸۴). حقوق بین‌الملل عام تروریسم، ترجمه زهرا کسمتی (در کتاب تروریسم، گردآورنده و ویرایش، علیرضا طیب). تهران: نشر نی.

ب) منابع انگلیسی

- Denning, D.E. (۲۰۰۰). Activism, and Cyber Terrorism: The Internet as tool for Influencing Foreign Policy, [http://www. Nautilus.org](http://www.Nautilus.org).
- Higgins, R. (۱۹۹۷). The General International Law of Terrorism, in **Terrorism and International Law**. London: Rutledge.
- Kushner, H.W. (۲۰۰۳). **Encyclopedia of Terrorism**. Sage Publication.
- Jenkins, M.B. (۱۹۸۵). **Terrorism and Personal Protection**. Boston: Butterworth Publishers.
- Pillar, P.R. (۲۰۰۱). **Terrorism and U.S. Foreign Policy**. Washington D.C.: The Brooking Institution.
- Rosie, G. (۱۹۸۷). **The Dictionary of International Terrorism**, New York: Paragon House.
- Schmidt, A.D. (۱۹۸۰). **Political Terrorism: A New Guide to Actors, Authors, Concepts, Data Base, Theories and Literature**. New York: North- Holland Publishing.
- Stark, R. (۱۹۹۹). **Cyber Terrorism: Rethinking New Technology**, Department of Defense and Strategic Studies.

White, R. (۲۰۰۳). **Terrorism: An Introduction.** Pacific Grove, CA. Books/ Cole.

Whittaker, J.D. (۲۰۰۶). **Terrorism: Understanding the Global Threat.** London:
Longman.